

هرچه از عمر نظام سرمایه‌داری می‌گذرد و بحران‌های لاعلاج آن از یکسو و مبارزات حق‌طلبانه کارگران و خلق‌های تحت ستم برعلیه آن از سوی دیگر تشدید می‌گردند. لفافه‌های دروغین "دمکراتیک" و "آزادیخواهی" این نظام ضدخلقی، در بستر هجوم وحشیانه سرمایه‌داران زالوصفت به توده‌های محروم رنگ باخته و فرو می‌پاشند.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۴۷ - ۱۵ مهر ۱۳۸۵

"دمکراسی" امپریالیست‌ها و تلاش برای "قانونی" ساختن شکنجه!

بود که جنایاتی که مقامات آمریکایی در طول سال‌های مدید عملاً انجام می‌داده‌اند از این پس "رسم" و "قانون" و در جلوی چشم مردم صورت خواهد گرفت. از سوی دیگر، اگر چه ظاهراً "تروریست‌ها" هدف "قانون" کنونی قرار گرفته‌اند، اما با توجه به اهداف واقعی و نه ادعایی دولت آمریکا و تجربه سیاست‌های ضدخلقی و منجمله جنگ‌افروزی‌ها و تبهکاری‌های روزمره این دولت برعلیه کارگران و خلق‌های تحت ستم در سراسر دنیا، می‌توان فهمید که آماج واقعی "قانونی‌سازی شکنجه"، اساساً کسانی جز مدافعین کارگران و خلق‌های تحت ستم نیستند. (ادامه در صفحه ۲)

مورد این که آیا در زمان بازجویی از فرد مظنون از "روش‌های غیرمترعارف" - در حقیقت شکنجه - استفاده شده یا نه از حوزه اختیارات دادگاه‌ها و محاکم مدنی خارج شده و به عهده ریاست جمهوری خواهد بود. باید دانست که در حال حاضر نیز چنین رفتارهایی نسبت به افراد مظنون صورت می‌گیرد، اما واضح است که اگر این لایحه نهایتاً در دستگاه قانونگذاری آمریکا تصویب و عملی گردد به این معنی خواهد

نمایندگان مجلس سنای این کشور برای "قانونی" کردن شکنجه در آمریکا شد. مطابق این لایحه که باید از تصویب مجلسین آمریکا بگذرد، از این پس مقامات امنیتی و شکنجه‌گران دستگاه‌های سرکوب دولت آمریکا می‌توانند "مظنونان" به "اعمال تروریستی" را بدون هیچ‌گونه "محدودیت زمانی" در سیاه‌چال‌ها و بازداشتگاه‌های خویش نگه دارند. علاوه بر این، مطابق این توافقنامه شوم و وحشیانه تصمیم در

هجوم دولت بوش به بقایای آزادی‌های دمکراتیک در آمریکا و قلع و قمع پی در پی قوانین پذیرفته شده شهروندی در این کشور که حاصل سال‌ها مبارزات فداکارانه و خونین کارگران و زحمتکشان - در آمریکا و در سطح بین‌المللی - بوده با شدت تمام ادامه دارد. در همین رابطه هفته گذشته کابینه بوش به رغم برخی مخالفت‌ها در میان نمایندگان طبقه حاکم، موفق به دستیابی به یک توافق اولیه با

نیروهای سرکوبگر، اعدام کردند. این دو قربانی که برادر بوده‌اند، مدتی پیش بدنال اعدام برادر بیگناه خود توسط نیروهای انتظامی، با برداشتن سلاح و در جریان یک اقدام مسلحانه با نیروهای سرکوبگر رژیم درگیر شده و تعدادی از آنها را مجروح و به هلاکت می‌رسانند. به گفته معاون اجتماعی و ارشاد نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در زاهدان، در اوایل مهر ماه نیز نیروهای انتظامی حکومت با حمله به یک خانه مسکونی در ایرانشهر، در جریان یک درگیری مسلحانه، فردی را که بدون اعلام نامش از او بعنوان "یکی از اشرار سابقه‌دار و مسلح" نام برده‌اند به قتل رساندند.

در ادامه جنایات جمهوری اسلامی، در فاصله بین ۳۱ شهریور ماه تا ۲ مهر، ۷ تن از زندانیان در زندان مرکزی زاهدان نیز با اتهاماتی در رابطه با "مواد مخدر" بدست مزدوران رژیم به دار آویخته شدند.



شدت یابی کشتار و اعدام در ایران

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر موجی از اعدام‌های جدید را در کشور سازمان داده است. بدنال اجرای حکم اعدام چند تن از جوانان و توده‌های محروم خلق عرب، به بهانه دست داشتن آنان در "بمب‌گذاری" در شهرهای خوزستان، مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی در روزهای اخیر نیز ۲ تن دیگر را در خرم‌آباد به جرم "درگیری مسلحانه" با



"دمکراسی" امپریالیست‌ها و تلاش برای "قانونی" ساختن شکنجه!

بقیه از صفحه ۱

تلاش برای تصویب قوانین بربرمنشانه فوق‌الذکر توسط دولت بوش که ادعای "دمکراسی" و "آزادی" و "احترام به حقوق بشر" آن گوش فلک را کر کرده در شرایطی صورت می‌پذیرد که دیوان عالی آمریکا در حدود سه ماه پیش زیر فشار افکار عمومی و رسوایی ناشی از جنایات و افتضاحات مقامات آمریکایی در شکنجه قربانیان خود در زندان "گوانتانامو" مجبور به تأیید این امر شد که دادگاه‌های فدرال آمریکا می‌توانند "عریضه‌های" زندانیان مظنون به "تروریسم" را راجع به چگونگی رفتار انجام شده با آنها در زندان‌های آمریکا بشنوند.

هم‌اکنون رسوایی ناشی از ابعاد سیاست‌های ضدخلقی و جنایات و وحشیگری‌های دولت، ارتش و ارگان‌های امنیتی و دستگاه‌های سرکوب آمریکا و نقض گسترده حقوق بشر توسط این به اصطلاح حکومت مدعی "دمکراسی" - بخوان بزرگ‌ترین قدرت ضدخلقی جهان سرمایه‌داری - در داخل و خارج آمریکا، تنفر شدید افکار عمومی را بر علیه دولت آمریکا برانگیخته است تا جایی که روزی نیست که اخبار و گزارش‌های مربوط به نقض قوانین بین‌المللی و جنایات جنگی آمریکا در افغانستان و عراق، در "بگرام"ها و "گوانتانامو"ها و "ابوغریب"ها، در مراکز مخفی شکنجه و قصابی مخالفین در کشورهای اروپایی و یا در کشورهای وابسته و حتی در خود آمریکا به رغم تمامی سانسورها و درز گرفتن‌ها، در سطح بین‌المللی منتشر نشود. با این حال، دولت ضدخلقی آمریکا بجای توقف اعمال تبهکارانه خویش، که در پاسخ به نیازهای بحران وحشتناک گریبانگیر نظام امپریالیستی و ضرورت تشدید سرکوب کارگران و خلق‌های تحت ستم صورت می‌گیرند، می‌کوشد قوانین تاکنونی در آمریکا را ملغی و تمامی جنایات‌اش را رسمی و "قانونی" سازد.

البته در زمینه تشدید سرکوب و تلاش برای قانونی ساختن اعمال جنایتکارانه دولت‌های سرمایه‌داری بر علیه کارگران و زحمتکشان، دولت بوش تنها نیست و در همین رابطه در ماه‌های اخیر ما شاهد آن بوده‌ایم که چگونه زیر نام مبارزه با "تروریسم"، تمامی دولت‌های اعظم سرمایه‌داری و قدرت‌های امپریالیستی در صفتی واحد ولی با آهنگی متفاوت هجوم خویش به حقوق و قوانین شهروندی و در واقع به جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان بر علیه نظام ظالمانه حاکم را شدت بخشیده‌اند. تصویب فزاینده قوانین ضدپناهندگی در انگلیس، آلمان، سوئد و اخیراً در سوییس، تصویب قوانین ارتجاعی سرکوبگرانه، ضدکارگری و ضدکمونیستی هرچه بیشتر زیر نام "مبارزه با تروریسم" در اتحادیه اروپا، به اجرا درآوردن سلسله قوانین "ضدتروریستی" در ماه‌های اخیر در انگلیس و... تنها جلوه‌هایی از این هجوم ضدخلقی سرمایه‌داری در سطح بین‌المللی را به نمایش می‌گذارند. در این میان دولت آمریکا ابعاد تلاش‌های پلیسی و سرکوبگرانه خود به مردم را به جایی رسانده که با اعمال فشار به دولت‌های اروپایی از آنها خواسته است تا از این پس، کلیه مشخصات (نظیر شماره تلفن، آدرس، ایمیل، حساب بانکی و مشخصات کارت‌های اعتباری و...) تمامی مسافرینی که از اروپا به آمریکا وارد می‌شوند را قبل از پرواز در اختیار مقامات امنیتی آمریکا قرار دهند. این اقدام خشم افکار عمومی در اروپا را برانگیخته و مردم خواهان علنی شدن این مذاکرات و تاثیرات عملی آن بر زندگی خویش شده‌اند. اما نمایندگان اتحادیه اروپا که مذاکرات مربوط به رد و بدل کردن این اطلاعات با طرف آمریکایی را به پیش می‌برند، بیش‌ترانه ادعا کرده‌اند که بدلائل امنیتی نمی‌توانند محتوای مذاکرات را "فاش" سازند و اضافه کرده‌اند که آنها "مخالفتی" با اصل خواست آمریکا ندارند و در حال حاضر برای پیدا کردن راه حلی "عملی" برای پیشبرد این سیاست ضدخلقی

تلاش می‌کنند - که در این زمینه هنوز با آمریکا به توافق نرسیده‌اند.

واقعیت این است که به رغم تمامی ادعاهای دهان‌پرکن امپریالیست‌ها و مشاطه‌گران نظام سرمایه‌داری مبنی بر "احترام به حقوق بشر"، "دمکراسی" و "آزادی" و... حیات این نظام استثمارگرانه با گرایش فزاینده به جنگ، اعمال قهر و زور و دیکتاتوری و سرکوب کارگران و توده‌های تحت ستم مزوج بوده است. بطوری که هرچه از عمر این نظام ضدخلقی می‌گذرد و بحران‌های لاعلاج آن از یکسو و مبارزات حق‌طلبانه کارگران و خلق‌های تحت ستم بر علیه آن از سوی دیگر تشدید می‌گردند، لفافه‌های دروغین "دمکراتیک" و "آزادبخواهی" این نظام ضدخلقی، در بستر هجوم وحشیانه سرمایه‌داران زالوصفت به توده‌های محروم رنگ باخته و فرو می‌پاشند. در حقیقت، ما در دوره‌ای بسر می‌بریم که نظام گندیده امپریالیستی با هارترین چهره خویش، در وسعتی هرچه فزاینده‌تر و با استفاده از مخوف‌ترین و مرگبارترین شیوه‌ها برای حفظ و طولانی ساختن سلطه استثمارگرانه‌اش بر حیات صدها میلیون تن از رنجبران و خلق‌های تحت ستم در سراسر دنیا و سرکوب انقلاب، به آنها اعلان جنگ داده است. فریادهای دروغین "مبارزه با تروریسم"، اعلام "جنگ بی‌پایان" و به موازات آن، لشکرکشی به افغانستان و عراق و... و کشتار و قتل‌عام توده‌های بیگناه، سرکوب وحشیانه جنبش انقلابی و اعتراضات توده‌ها و بالاخره زندان و سرنیزه و اعدام و "شکنجه قانونی" بخشی از ابزارهای ضدخلقی لازم برای سرمایه‌داران زالوصفت در چنین مصافی هستند. امری که در وجه دیگر خود انعکاس رشد آتش جنبش انقلابی و شعله‌های سوزنده مبارزات ستمکشانی‌ست که لرزه بر اندام امپریالیست‌ها انداخته و آنان را واداشته‌اند تا چهره کثیف و ضدخلقی خویش را هرچه عریان‌تر به معرض نمایش بگذارند.



در تاریخ نامبرده، ۳۰۰ تن از کارگران محروم شرکت البرز که خود و خانواده‌هایشان حدود ۹ ماه بدون پرداخت حقوق و مزایا بسر برده و هیچ یک از دادخواهی‌هایشان از مقامات ضدخلقی نیز به جایی نرسیده بود، در مقابل کارخانه تجمع کرده و سپس تصمیم می‌گیرند که به همراه خانواده‌هایشان به طرف فرمانداری بابلسر حرکت کنند. اما، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که تحمل کوچکترین اعتراض برحق کارگران را ندارد با ارسال نیروهای انتظامی به تجمع کارگران حمله برد و ضمن بگیر و ببند و ضرب و شتم وحشیانه آنها حرکت عادلانه کارگران را سرکوب نمود و تا شب تعدادی از آنها را دستگیر کرد.

در اوایل مهر ماه نیز بیش از ۲۰۰ تن از رانندگان زحمتکش خط واحد تبریز که حقوق شهریور ماه خویش را دریافت نکرده بودند دست به اعتصاب زده و از نشستن پشت فرمان خودداری کردند. این حرکت متحدانه که عبور و مرور در سطح شهر را مختل کرد، مقامات شهر را به دست و پا انداخت و آنها با دستپاچگی ضمن دادن قول‌های مساعد و قبول پرداخت حقوق رانندگان پس از چند ساعت به این حرکت اعتراضی پایان دادند.

سه‌میه‌بندی سوخت در شهرستان خاش در تاریخ ۹ مهر ماه به تجمع و اعتراض تعدادی از رانندگان خودروهای سنگین در مقابل فرمانداری این شهر انجامید. این حرکت پس از آن صورت گرفت که مقامات حکومت با جمع‌آوری دفترچه‌های توزیع سوخت رانندگان از اول مهر ماه، محدودیت‌های سختی را بر توزیع سوخت در بین آنان اعمال کرد که این امر تأثیر چشمگیری در کاهش درآمد آنان خواهد داشت. به شکلی که سهمیه سوخت در نظر گرفته شده برای کامیون‌های سنگین هیچ رو

کفاف نیاز آنان را نمی‌دهد. اقدام اخیر حکومت خشم رانندگان زحمتکش در منطقه را برانگیخته است.

قتل یک دختر نوجوان...

بقیه از صفحه ۴

این دختر محروم و بیگناه ۱۸ ساله که از خانه فرار کرده بود، در اواسط مهر ماه پس از بازگشت توسط پدر خود به قتل رسید. این پدر که با صلاح‌دید بزرگان مرتجع قوم، برای "پاک کردن" ننگ از خانواده، مأمور کشتن او شده بود، در شرایطی با قساوت تمام دختر نوجوان خویش را به قتل رساند که قوانین زن‌ستیز جمهوری اسلامی دست پدر و یا برادر را برای هرگونه برخوردی با دختری نظیر او باز گذاشته است؛ به گونه‌ای که چنین قتلی، از هرگونه پیگرد قانونی مبرا می‌باشد.

اقدام جنایتکارانه فوق‌الذکر در شرایطی صورت گرفته است که رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در طول ۲۷ سال حکومت ننگین خویش با بکار گرفتن ارتجاعی‌ترین قوانین مذهبی به منظور تأمین منافع سرمایه‌داران زالوصفت و تشدید استثمار و سرکوب زنان، کثیف‌ترین قوانین ضد زن و مردسالارانه را در جامعه به تصویب رسانده و در پرتو چنین قوانین و نظامی دست نهادهای حکومتی و غیرحکومتی را برای ارتکاب به هرگونه جنایتی برعلیه زنان و بویژه زنان محروم و متعلق به طبقات پایین، باز گذاشته است. این جنایت در حالی اتفاق می‌افتد که درست تحت تأثیر همین مناسبات و قوانین ارتجاعی و زن‌ستیز، زندگی مشقت‌بار زنان و دختران بویژه در مناطق محروم هر روز بیشتر از قبل در منگنه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دیکتاتوری حاکم زیر فشار قرار گرفته و فقر و گرسنگی، محرومیت‌های خردکننده

اجتماعی، ازدواج‌های اجباری، فشارهای مردسالارانه درون خانواده، بهره‌کشی جنسی و... هر روز تعداد بیشتری از دختران فقیر و محروم را به فرار از خانه تشویق کرده و آنها را تحت سخت‌ترین شرایط با ترس و خوف و با سرنوشتی مبهم و تاریک روانه خیابان‌ها، می‌کند. در چارچوب چنین سیاست‌ها و مناسبات ضدخلقی‌ایست که در سال‌های اخیر بطرز چشمگیری بر ابعاد پدیده شوم و دردناک "دختران خیابانی"، "خودسوزی" و "خودکشی" زنان و دختران اضافه شده است و در این زمینه استان کردستان یکی از بالاترین آمارها را داراست.

انفجار خط لوله گاز...

بقیه از صفحه ۴

در هفته‌های گذشته، عملیات مشابهی در خاک ترکیه انجام شد که طی آن قسمتی از این خط لوله منفجر شد و مقامات امنیتی ترکیه، این اقدام را به حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) نسبت دادند.

شایان ذکر است که با افزایش تحرکات نظامی نیروهای منتسب به جریان پژاک در خاک ایران، مقامات جمهوری اسلامی از تشکیل یک "ستاد امنیتی" جدید در غرب ایران برای مقابله با اقدامات مسلحانه در این نواحی خبر دادند. فرمانده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرده است که "برای تشدید مبارزات با اعضای گروهک‌ها، با کشور ترکیه توافقاتی حاصل شده است که در راستای آن، مرزها به شکل فیزیکی با کانال‌کشی، دیوارکشی، ایجاد پاسگاه و برجک در منطقه مرزی کنترل، تبادل اطلاعات و عملیات‌های همزمان تا سطح هنگ‌های مرزی انجام خواهد گرفت".



تداوم اعتراضات کارگران و زحمتکشان

تحت حاکمیت ضدخلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و دولت به اصطلاح "کارگر دوست" احمدی نژاد مزدور، اعتراضات کارگران گرسنه و جان‌به‌لب‌رسیده از ظلم و سرکوب این رژیم، در سطحی گسترده ادامه دارد. در تاریخ ۲۵ شهریور، عدم پرداخت بیش از ۹ ماه حقوق و مزایای کارگران زحمتکش فرش "البرز" در بابل در کنار انواع و اقسام فشارها و اجحافات سرمایه‌داران زالوصفت و حکومت مدافع منافع آنان، بار دیگر اعتراض و خشم این کارگران را برانگیخت که به درگیری آنها با مزدوران رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی انجامید.

ادامه مطلب در صفحه ۳



قتل یک دختر نوجوان در مریوان با اتکاء به قوانین زن‌ستیز جمهوری اسلامی

حاکمیت مناسبات ضدخلقی نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران از یک طرف و قوانین ضدخلقی و مردسالارانه‌ای که رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی برای سرکوب و استثمار هرچه شدیدتر زنان محروم در جامعه ما از آن پاسداری می‌کند، منجر به جنایت وحشیانه‌ای بر علیه یک دختر روستایی به نام "س-د" در مریوان شد.

ادامه مطلب در صفحه ۳

انفجار خط لوله گاز ایران - ترکیه و شدید تدابیر سرکوبگرانه

روز ۷ مهر ماه، خبرگزاری‌ها از انفجار خط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه در نزدیکی مرز بازرگان خبر دادند. شدت انفجار به حدی بود که دود حاصل از آن از شهر "دوگبایزیت" ترکیه نیز قابل رؤیت بوده است. چند روز پس از این انفجار، فرمانده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در آذربایجان غربی ضمن انتساب این عملیات به حزب حیات سازندگی کردستان (پژاک)، مدعی شد که یکی از "عاملین" این انفجار که اهل روستایی در اطراف شهر ماکو است دستگیر و نفر دوم نیز شناسایی شده است. در ماه‌های اخیر این دومین بار است که خط لوله گاز بین ایران و ترکیه منفجر می‌شود.

ادامه مطلب در صفحه ۳

اعلام آتش‌بس از سوی "پ ک ک" در ترکیه

به موازات اوج‌یابی مبارزات مردم تحت ستم کردستان در ترکیه و تشدید عملیات نظامی نیروهای حزب کارگران کردستان (پ ک ک) بر علیه دولت ترکیه، مقامات دولت ضدخلقی این کشور سرانجام در روزهای اخیر، عبدالله اوچلان رهبر پ ک ک را به صحنه آوردند و او در راستای سیاست‌های ضدخلقی دولت ترکیه خواستار "اعلام آتش‌بس" یکجانبه از سوی پ ک ک گشت. این اقدام در حالی صورت می‌پذیرد که سرکوب وحشیانه خلق کرد در ترکیه با شدت تمام توسط رژیم وابسته به امپریالیسم ترکیه ادامه داشته و ارتش ترکیه با تداوم جنایات و قتل‌عام مردم محروم در

روستاها و شهرهای کردستان تعداد بسیار زیادی از توده‌های بیگانه را کشته و مجروح ساخته و بسیاری از جوانان را دستگیر و روانه سیاهچال‌های ترکیه کرده است. به موازات این تحولات، مقامات دولت آمریکا نیز به اعمال نفوذ از طریق مقامات "حکومت کردستان عراق" یعنی جلال طالبانی و مسعود بارزانی بر روی گردانندگان پ ک ک برای اعلام آتش‌بس پرداختند. سرانجام مراد کارایلان، یکی رهبران حزب کارگران کردستان در شمال عراق، روز ۸ مهر ماه ضمن اعلام آتش‌بس یکجانبه از سوی حزب خویش اعلام کرد که "آمریکا و اروپا و آقایان جلال طالبانی و مسعود بارزانی از ما خواستند تا آتش‌بس اعلام کنیم". مقامات پ ک ک پس از اعلام این آتش‌بس یکجانبه خواستار آن شده‌اند که آمریکا آنها را "دوست" خود بیندارد.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت
از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران
در اینترنت دیدن کنید:
<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی
در اینترنت دیدن کنید:
<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران
با نشانی زیر مکاتبه کنید:
BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران
0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک
e-mail : ipfg@hotmail.com

